

## نسخه (ش.ش/ رسا.ش)

نسخه (ش.ش/ رسا.ش) هر **چیزی** ست که بر معنایی دلالت کند، چه معنای بسیط (مفهوم عرفی) یا مفهوم تصویری علمی، به هر نحوی که اینک متصور است یا بعداً متصور می شود.

پس مصادیق و انواع آن بیکران است نسخه شناسی همان رسانه شناسی است و در علم سپهرشناسی (معرفت شناسی/ رسانه شناسی) مورد بررسی قرار می گیرد.

نسخه ها جسم سپهر معرفت اند و معانی روح سپهر معرفت . پس مقابل نسخه (جسم سپهر)، معنا (روح سپهر) است. بحث از نسخه اگر در تعامل با مباحث معرفت شناختی باشد در فلسفه علم جا دارد و اگر از حیث احکام دلالات و آثار آن باشد فقط در علم رسانه شناسی بحث می شود.

نسخه انواع بسیاری دارد که باید آن ها را به وسیله ی استقراء و گشت و گذار کشف کرد. **همه ی علوم از طریق نسخه ها گفتگو می شوند.** (انواع نسخه را ببینید)

### مثال هایی برای نسخه:

**مانند:** کلمات، مثلا کلمه ی «آب» برای معنای آن، یا جمله «آب مایه ی حیات است» برای معنای آن یا «تمام گزارش دانش بشری برای فهم آب» که از اول خلقت تا اینک گرد آمده همه نسخه اند.

**مانند:** کتاب و مقاله کاغذی (نسخه بر کاغذ)، نمایش، شعر، نقاشی، حرکاتی

چون پانتومیم و رقص (اگر دال بر معنایی باشد) موسیقی و ترانه، فیلم، عکس و حتی **چسبانه کاری (کلاژ)** اگر واجد معنا باشد و ...

**مانند:** اشارات آشکار، مانند علایم راهنمایی و رانندگی یا اشارات نهان و خفی، مانند آنچه اهل عرفان و کشف با علامت در نهان می گویند (نسخه ی لب دوخته)

**مانند** آنچه در سپهر معرفت بر اساس حدس و بارش فکر (نسخه ی بارش فکری) آمده یا نخبه در حال آزمودن آن است در گفتگوی سپهری (نسخه ی آزمایشی) یا آنچه به جامعه نخبگانی و دانش سرا، پیشنهاد کرده است (نسخه ی پیشنهادی)

**مانند:** آنچه ما خلق نکرده ایم، ولی بر معنایی، دلالت دارد. مانند آفرینش، که به خداوند دلالت دارد، خداوندی که از فرط ظهور نهان است و آیاتش بر وی اشارت دارند. همچنین نشانه هایی که خداوند با آن سخن گفته، مانند آتش، درخت و گل، کوه، خاک، مرگ، خواب، روز و شب همه و همه نسخه اند.

قرآن والاترین نسخه عالم امکان است و

مبداء آن از بالای عرش و عالیترین مرتبه

سپهر معرفت است و امام، روح و جان

قرآن و جان جانان و قلب القوب عالم

است و همه به خدمت فاطمه زهرا کمر همت بسته اند. محیی

مراتب عالیہ سپهر معرفت مهدی فرزند اوست. و فی هذا

المقام انکسر القلم و وقع النسخ فی منطقه حاره و لزم

التوقف ذاتیا و لا عرضیا

